یادداشت

هم‌اندیشی دغدغه‌مندان

کورش الماسی

پربیراه نیست اگر عدم همکاری، بی‌نظمی، اختلافات فراوان و... را ویژگی‌های برجسته عرصه سیاسی تلقی کنیم. اینکه بی‌شک یکی از بنیادی‌ترین ریشه‌های انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی و سیاسی، فقدان همکاری میان فعالان عرصه سیاسی است. یقینا این پرسش که چگونه می‌توان نوعی نظم و همکاری میان فعالان عرصه سیاسی ایجاد کرد، مشغله فکری و آرزوی بسیاری از دلسوزان و دغدغه‌مندان سلامت، امنیت، ثبات و توسعه ایران است. شاید کم‌توجهی یا ندیدن یک «نکته بسیار بدیهی»، ریشه عدم همکاری، به‌مثابه بنیادی‌ترین عامل مدیریت انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی باشد. جامعه معطوف به جمع است. به عبارتی، تعدادی انسان برای تحقق یک هدف مشترک وارد همکاری می‌شوند و یک جمع را شکل می‌دهند. بنابراین، همکاری منهای هدف مشترک نه‌تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه قابل درک نیز نیست. اگر استدلال رابطه علت و معلولی هدف مشترک و همکاری پذیرفته شود، آنگاه می‌توان ادعا کرد که بنیادی‌ترین منشأ عدم همکاری، اختلافات بی‌شمار، بی‌نظمی و... میان فعالان عرصه سیاسی ناشی از فقدان یک هدف مشترک و پذیرش آن توسط فعالان سیاسی است. همکاری حول یک هدف شکل نخواهد گرفت، مگر اینکه یک، «اذهان و اراده‌ها فردی» «درک کنند و بپذیرند» که همیشه دانش، داده و تجربیات بیشتری از آنچه «من می‌دانم»، نزد دیگران (یا در عالم) وجود دارد. و دو، در جوامع دانشی، فناوری و اطلاعات‌بنیاد معاصر، هیچ ذهن و اراده‌ای قادر نخواهد بود صرفا متکی بر دانش، توانایی و امکانات فردی، رفاه، آرامش و امنیت پایداری برای خود ایجاد کند. بنابراین امنیت، ثبات، آرامش و توسعه فردی و اجتماعی پایدار و کم‌هزینه تابع پذیرش و همکاری حول یک هدف مشترک است. جمعی متشکل از ۱۲ «تشکل قانونی»، حدود یک سال و نیم است برای یافتن یک هدف مشترک که قابلیت اجماع‌سازی به‌مثابه بستر همکاری، هماهنگی و تلاش برای تأثیرگذاری بر روند چالش‌های اجتماعی و سیاسی، در قالب جلسات هفتگی اقدام به تبادل نظر، هم‌اندیشی و دعوت از کارشناسان و اهالی باتجربه عرصه سیاسی کرده‌اند. بعد از ماه‌ها گفت‌وگو، هم‌فکری و تبادل نظر، جمع دغدغه‌مندان سلامت، ثبات و امنیت ایران به این نتیجه رسید که منافع ملی، آن هدفی است که قابلیت ایجاد همکاری میان فعالان سیاسی و اجتماعی را دارد. به عبارتی، کم‌هزینه، پایدار و کاربردی‌ترین روش ایجاد همکاری میان دلسوزان و دغدغه‌مندان ایران به‌مثابه روشی کاربردی و کم‌هزینه برای حل‌وفصل انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی، سیاسی و خنثی‌کردن فشارهای استعمارگران غربی و شرقی، اجماع رفتاری حول هدف تحقق منافع و امنیت ملی است. «جمع هم‌اندیشی اجماع‌ساز دغدغه‌مندان» سلامت، امنیت، ثبات و توسعه ایران تلاش دارد از همه اراده‌ها و اذهانی (بی‌توجه به انواع گرایش‌های سیاسی و منفعتی) که صادقانه دغدغه سلامت، امنیت و توسعه ایران را دارند و منافع فردی و گروهی خود را در مسیر منافع ملی (جمعی) درک می‌کنند، دعوت به هم‌اندیشی، تبادل نظر و گفت‌وگو به منظور ایجاد بسترهای همکاری «فراگراشیِ خاص» در راستای کمک به حل‌وفصل انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی، سیاسی و خنثی‌کردن فشارهای ظالمانه بین‌المللی کند. بنا بر شواهد بی‌شمار تاریخی و تجربی، «عبور از شرایط پرچالش اجتماعی و سیاسی، راه سومی ندارد».

خبر

۹۴ درصد مبتلایان به اچ‌آی‌وی ناقل نیستند

رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: «بیش از ۲۰ هزار بیمار مبتلا به اچ‌آی‌وی در کشور تحت درمان هستند و ۹۴ درصد آنها با مصرف منظم دارو سطح ویروس در خون‌شان به حدی پایین آمده که دیگر قابلیت انتقال به دیگران را ندارند». هنگامه نامداری‌تبار افزود: «امروز اچ‌آی‌وی یک بیماری عفونی قابل کنترل است که اگر ابتلای افراد به‌موقع تشخیص داده شود و دارو مصرف کنند، نه‌تنها می‌توانند زندگی سالم و طولانی داشته باشند، بلکه از انتقال بیماری به دیگران نیز جلوگیری می‌شود». او با بیان اینکه خدمات درمانی در کشور کاملا رایگان و محرمانه ارائه می‌شود، افزود: «افراد می‌توانند حتی با نام مستعار به مراکز مشاوره بیماری‌های رفتاری مراجعه کنند و بدون نگرانی از انگ اجتماعی یا قضاوت دیگران، تحت آموزش، مشاوره و تست قرار گیرند». نامداری‌تبار با اشاره به آمار بیماران در کشور گفت: «در حال حاضر بیش از ۲۰ هزار بیمار مبتلا به اچ‌آی‌وی در ایران زندگی می‌کنند که بالغ بر ۹۴ درصد آنها با مصرف منظم دارو سطح ویروس در خون‌شان به حدی پایین آمده که دیگر قابلیت انتقال به دیگران را ندارند».

مدرس؛ سیاست‌مداری که از نو باید شناخت

ادامه از صفحه اول

افراد آن هرچند مذهبی به معنی علمایی آن نبودند، اما در مقایسه نسبت به فرهنگ مذهبی ایرانی تقید بیشتری نشان می‌دادند و تمایل کمتری به افکار نو از مبدأ اروپا و نیز ملی‌گرایی ایرانی داشتند. با این حال، این گروه نیز مانند جریان اول مقید و متعهد به قانون اساسی، پارلمانتاریسم و عدم تمرکز قدرت در دست یک نفر بود و در این زمینه تا حدودی از سنت شیعی الهام می‌گرفت. جریان دوم و سوم در عمل با هم همراه بودند و اهداف مشترک بسیاری داشتند. علاوه بر مدرس، کسانی مانند محمدهاشم میرزا افسر، میرزا هاشم آشتیانی، سیدابراهیم ضیاءالواعظین، شیخ محمدعلی تهرانی، فیروزآبادی، حائری‌زاده و کازرونی در این جریان فعال بودند. مدرس در ابتدا قابلیت‌های رضاخان را مغتنم می‌دانست و در برابر انتقادات از او، معتقد به ضرورت حفظ او بود. در ۱۲ مهر ۱۳۰۱، با وجود انتقادات تند که معتمدالتجار نسبت به «حملاتی که [از ناحیه قزاقخانه] به اساس و ارکان آزادی و مشروطیت در این پایتخت می‌شود»، مطرح کرد، مدرس گفت: «با وجود این، عقیده من در باب وزیر جنگ این است که منافعش اساسی و مضارش فرعی است. بایستی سعی کرد که مضارش رفع شود تا منافعش عاید مملکت شود». اما با گذشت زمان از ۱۳۰۳ به بعد مدرس عمدتا در برابر رضاخان قرار گرفت و حتی برای محدودکردن او مراوداتی نیز با کسانی مثل شیخ خزعل یافت. با این حال، مدرس در مواردی مانند اعطای فرماندهی کل قوا به رضاخان و با وجود مخالفت مشروطه‌خواهان لیبرال، با این هدف که «باید چیزی به او بدهیم که در پی خیالات دیگر نباشد»، تمایل به سازش با رضاخان داشت. اما در قضیه جمهوری که در اسفند ۱۳۰۲ به اوج خود رسید، مدرس نقشی محوری در به شکست کشاندن آن از جمله از طریق بسیج مردم تهران در فروردین ۱۳۰۳ داشت.

در ۹ آبان ۱۳۰۴ مدرس نیز به حدود ۱۰ نفر از نمایندگانی که با استناد به قانون اساسی، اقدام مجلس برای خلع قاجاریه را غیرقانونی می‌دانستند، پیوست. او بعد از نطق کوتاهی و قبل از ترک مجلس گفت: «اگر حتی هزار رأی مثبت هم بیاورید، باز کارتان مغایر قانون اساسی است». بعد از اینکه مجلس مؤسسان سلطنت رضاشاه و اعقاب او را وارد قانون اساسی کرد، مدرس با این تصور که ممکن است بتواند با پیشه‌کردن سیاستی منعطف رضاشاه را به ایفای نقش به عنوان پادشاه مشروطه تشویق کند، سلسله مانورهایی را شروع کرد.

رضاشاه که در ابتدای کار مصمم به اعتدال و میانه‌روی با هدف تثبیت جایگاه خود بود، با مدرس تعامل می‌کرد. تا آنجا که شهرت یافت کابینه مستوفی‌الممالک در خرداد ۱۳۰۵ حاصل تفاهم مدرس با شاه بوده است. مستوفی‌الممالک که بعد از فروغی نخست‌وزیر شد و وثوق‌الدوله و فروغی را به عنوان اعضای کابینه به مجلس معرفی کرد، مدرس کوشید تمام وزرا رأی اعتماد بگیرند. مصدق که از مقیدکردن رضاشاه به قانون اساسی ناامید بود و به همین دلیل برخلاف مدرس به رضاشاه سوگند وفاداری یاد نکرده و پیشنهاد مستوفی برای عضویت در کابینه را نپذیرفته بود، با وثوق و فروغی مخالفت کرد و به‌این‌ترتیب جلسه رأی اعتماد به جلسه‌ای تاریخی برای محاکمه قرارداد ۱۹۱۹ تبدیل شد. در این جلسه، مدرس در مقام حمایت از کابینه مستوفی، به نوعی نقش هیئت‌منصفه را بازی کرد و موضعی میانه گرفت. او گفت: «از پولی که گفته می‌شود وثوق و دو وزیرش گرفته‌اند، خبر ندارم و خود وثوق باید جواب بدهد». او عمل امضای قرارداد با انگلیس را یک «عقد فضولی» خواند و مثال زد که چون تیری که وثوق پرتاب کرد به هدف نخورده، پس نباید او را مقصر دانست. او گفت: «به همه سیاست‌مداران نیاز داریم و اگر بنا باشد هر سیاست‌مداری را به عنوانی حذف کنیم، کسی باقی نمی‌ماند».

اما سخن مهم‌تر مدرس آنجا بود که گفت: «... تمام داخله و خارجه می‌دانند که از این آقا [مستوفی] انتفاع نمی‌شود برد [یعنی رضاشاه انتفاع نمی‌تواند ببرد] امروز ما همین را می‌خواهیم. اگر ایشان خدمات دیگر هم کردند، نور علی نور. والّا کار ایشان این است که جریان غیرعادی که برای این مملکت از چهار سال پیش پیدا شده است، روی جریان عادی بیندازند. اوضاع جاری عادی شود، نظام برود سر نظام [قزاق برگردد به قزاقخانه]، عدلیه مستقل شود، مالیه مستقل شود [یعنی نظامیان در امور آنها دخالت نکنند] هرجا دلش می‌خواهد برود تفتیش کند...». اقدامات مدرس در این حد محدود نماند. ملک‌الشعرای بهار می‌گوید روزی بعد از ملاقات او با رضاشاه، مدرس به من (ملک‌الشعرا) گفت: امروز به شاه گفتم مردم راجع به تهیه ملک و جمع پول پشت سر شما خوب نمی‌گویند. شما پول می‌خواهید چه کنید؟ ملک به چه دردتان می‌خورد؟... . اگر به پولداری و ملک‌گیری و حرص جمع مال شهرت کنید، برای‌تان خوب نیست... . شما کاری نکنید که مردم از شما بدشان بیاید. قدری پول به بهانه‌های مختلف خرج کنید. جایی بسازید، مدرسه‌ای، مریض‌خانه‌ای. کاری کنید که بگویند اگر پولی هم داشت، برای این کارها بود و بعد از این مخصوصا به املاک مردم کار نداشته باشید. ملک‌داری حواس شما را پرت می‌کند. شاه گفت من پول زیادی ندارم. ولی از این به بعد هم نصیحت شما را می‌پذیریم».

تیر مدرس در همه موارد به خطا رفت. مدرس و مصدق که برای انتخابات مجلس هفتم نامزد شده بودند، انتخاب نشدند. بعد از این بود که مدرس آن جمله معروف را به درگاهی، رئیس نظمیه، گفت: «اگر ۱۴ هزار نفری که برای مجلس ششم به من رأی دادند، پشیمان شده باشند. پس آن یک رأیی که خودم به خودم دادم، چه شد». مدرس در ۱۳۰۷ دستگیر و به خواف تبعید شد.

کارت ایران و معامله پنهان

ادامه از صفحه اول

اگر این تغییر بدون ترسیم چارچوب‌های روشن از سوی تهران پیش برود، ایران خود به مرکز ثقل رقابت میان پکن و مسکو تبدیل می‌شود؛ رقابتی که می‌تواند هم ظرفیت‌ساز باشد و هم، در غیاب سیاست بهینه‌سازی روابط، محدودکننده. در چنین وضعیتی، یادآوری یک واقعیت کلیدی، نه برای شعار، بلکه برای تصحیح زاویه دید، ضروری است؛ بنابراین ایران کارت نیست، بازیگر است. ثبات و امنیت ایران برای روسیه یک ضرورت راهبردی بوده و هست. حضور ایران در سوریه عمق عملیاتی روسیه را تضمین کرد و امکان تثبیت موقعیت دمشق را فراهم آورد. مسیرهای انرژی و تجارت از پهنه ایران، در شرایط فشار، برای اقتصاد محدودشده روسیه نقش شریان‌های جایگزین را ایفا می‌کنند. بی‌ثباتی گسترده در ایران نه‌تنها مسیرهای امن تجاری و انرژی را مختل می‌کند، بلکه در سطح منطقه‌ای، خلأ قدرتی ایجاد می‌کند که پیامدهای آن از قفقاز تا دریای سیاه و از آسیای مرکزی تا مدیترانه امتداد می‌یابد. دومینوی بی‌ثباتی در ایران می‌تواند روسیه را به سمت انزوا و خفگی اقتصادی و حتی بحران‌های داخلی سوق دهد؛ وضعیتی که مسکو آن را به‌درستی به عنوان تهدیدی برای بقایش می‌شناسد، هرچند کمتر به زبان صریح بیان شده باشد. از همین منظر، تلاش برخی بازیگران برای تبدیل ایران به موضوع معامله، بیش از آنکه نشان قدرت آنان باشد، بیانگر درک آنان از نقطه‌های حساس نظم منطقه‌ای است. هنگامی که تماس‌ها و هماهنگی‌های پنهان حول ایران شکل می‌گیرد، معنایش این است که غرب آسیا دیگر صرفا میدان نبردهای نیابتی نیست؛ کانونی است که سرنوشت قدرت‌های بزرگ را متأثر می‌کند. آمریکا نشان داده که می‌تواند پیروزی کوتاه‌مدت را به قیمت فرسایش اعتماد متحدانش بخرد. اسرائیل تلاش می‌کند از شکاف‌ها بهره بگیرد و ایران را به مسئله‌ای قابل معامله تبدیل کند. چین با صبر و تراکم سرمایه، جای روسیه را در حیاط‌خلوت سنتی‌اش می‌گیرد و نقشه اقتصادی را به نفع خود بازتعریف می‌کند. روسیه در عین تلاش برای حفظ نقش، آشکارا به ثبات ایران وابسته است و در غیاب آن، می‌تواند نخستین قربانی موج‌های بی‌ثباتی باشد. کنار هم گذاشتن این خطوط، تصویری واحد می‌سازد: هر حرکت در ایران، نه‌فقط پیامدی برای تهران، بلکه موجی در سواحل دورتر دارد؛ موجی که می‌تواند آرایش قدرت‌های بزرگ را جابه‌جا کند. در برابر چنین واقعیتی، راهبرد ایران نمی‌تواند بر امید به وفاداری دیگران یا اتکا به تضمین‌های بیرونی بنا شود. تبدیل‌شدن از کارت معامله به بازیگری غیرقابل معامله، نیازمند بازتعریف فعالانه نقش ایران در نظم منطقه‌ای است. این بازتعریف با شعار حاصل نمی‌شود؛ نیازمند دیپلماسی فعال و توازن‌سازی هوشمندانه است. بهره‌گیری از رقابت قدرت‌ها، بدون لغزیدن به وابستگی مطلق، هنر سیاست خارجی است. هر پیمان و هر پروژه باید ذیل یک نقشه‌راه مشخص قرار گیرد که نسبت ایران را با هر قدرت، در افق‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، روشن می‌کند. شفافیت در اهداف، تنوع‌بخشی به شرکا، و ترسیم خطوط قرمز عملیاتی، مجموعه‌ای از اقدامات است که ایران را از مدار معامله‌پذیری خارج و در مدار کنشگری تثبیت می‌کند. قدرت چانه‌زنی واقعی از درون می‌آید. اقتصاد مقاوم، امنیت پایدار و انسجام ملی ستون‌های اصلی ظرفیت کنشگری‌اند. هرگاه این ستون‌ها فرسوده شوند، حتی بهترین ابتکارهای دیپلماتیک نیز به توافق‌هایی شکننده تبدیل می‌شوند که در نخستین بحران فرومی‌ریزند. به عکس، هرگاه این ستون‌ها تقویت شوند، حتی در اوج فشارهای بیرونی، دست ایران برای تعریف قواعد بازی باز می‌ماند. این پیوند درونی و بیرونی را باید به زبان عمل نوشت: اصلاحات هدفمند برای افزایش بهره‌وری، کاهش گلوگاه‌های تحریمی از طریق بومی‌سازی‌های هوشمند، پیونددادن پروژه‌های زیرساختی به منافع ملموس مردم و ترجمه دستاوردهای خارجی به شاخص‌های داخلی، مجموعه اقداماتی است که چسب سیاست را به متن جامعه می‌زند و از سیاست خارجی، ابزاری برای بهبود واقعی زندگی می‌سازد. بازتعریف نقش ایران همچنین مستلزم بازخوانی دقیق محیط پیرامون است. غرب آسیا مجموعه‌ای از تلاقی‌گاه‌هاست؛ از بحث انرژی، مسیرهای ارتباطی، کانون‌های مذهبی و قومی، تا پیوندهای تاریخی میان تمدن‌ها. هر خط مرزی، لایه‌ای از منافع متداخل را در خود دارد و هر بحران محلی، استعداد تبدیل‌شدن به موجی منطقه‌ای را دارد. ایران اگر بخواهد بازیگر غیرقابل معامله باشد، باید در هریک از این لایه‌ها، جایگاه خود را تثبیت کند؛ از مدیریت هوشمند پرونده‌های امنیتی تا مشارکت فعال در ابتکارهای اقتصادی مشترک، از تعریف مأموریت‌های بشردوستانه منطقه‌ای تا تولید روایت‌هایی که در افکار عمومی فراتر از مرزها نفوذ کند. روایت نیز ابزار قدرت است؛ هنگامی که دیگران ایران را به عنوان کارت می‌بینند، باید روایتی ساخته شود که ایران را به عنوان سهام‌دار اصلی نظم منطقه‌ای نشان دهد؛ روایتی که بر توان اتصال، ظرفیت ثبات‌سازی و منافع مشترک تأکید کند. سرانجام، آینده نظم منطقه‌ای -و شاید ترازوی قدرت جهانی- بیش از آنچه پایتخت‌های بزرگ می‌پندارند، به انتخاب‌های تهران گره خورده است. غرب آسیا دیگر صحنه نمایش قدرت‌های بزرگ نیست، بلکه صحنه‌ای است که قدرت‌های بزرگ در آن، از طریق بازیگران مصمم و مستقل به چالش کشیده می‌شوند. ایران می‌تواند یکی از آن بازیگران تعیین‌کننده باشد، اگر قواعد بازی را از نو بنویسد و به‌جای پذیرش نقش در سناریوهای دیگران، سناریوی خود را به اجرا بگذارد. بازیگر غیرقابل معامله بودن، نه عنوانی تزیینی، بلکه موقعیتی حاصل از ترکیب دیپلماسی دقیق، ظرفیت داخلی و فهم عمیق از نقشه نیروهاست. انتخاب‌های تهران، اگر بر این سه‌گانه بنا شود، نه‌تنها ایران را از دایره معامله خارج می‌کند، بلکه آرایش قدرت در غرب آسیا را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که به‌جای نوسان‌های فرساینده، بر ثباتی هوشمند و مشارکت‌پذیر استوار شود. چنین پایانی، در عمل آغاز راهی است که هر گامش، وزن ایران را در ترازوی دوئل قدرت‌ها افزایش می‌دهد و معامله پنهان را بی‌اثر یا دست‌کم محدود می‌کند.

از جامعه

غفلت و آزار جسمی؛ بیشترین سالمندآزاری

ایسنا: پس از برخی آمارهای مطرح‌شده از میزان سالمندآزاری، سرپرست معاونت اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، بیشترین نوع سالمندآزاری گزارش‌شده به این اورژانس را به ترتیب از نوع «غفلت»، «جسمی» و «عاطفی» عنوان کرد. فاطمه سلطانی با اشاره به ابعاد سالمندآزاری، افزود: «بیشترین نوع سالمندآزاری گزارش‌شده به اورژانس اجتماعی، طبق آمارهای خط اورژانس اجتماعی به ترتیب از نوع آزار غفلت و بعد از آن جسمی و بعد عاطفی است. او با اشاره به مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز سالمندآزاری در خانواده‌ها، تصریح کرد: سالمندآزاری در خانواده‌ها معمولا ناشی از ترکیب مشکلات اقتصادی، اعتیاد، فشار مراقبتی و ضعف آگاهی عمومی است. اورژانس اجتماعی با دریافت تماس، بررسی اولیه، اعزام تیم، مداخله فوری و ارجاع به مراجع قضائی در صورت نیاز یا بهزیستی وارد عمل شده و حمایت‌هایی مانند انتقال به مراکز نگهداری مرتبط، خدمات روانی و اجتماعی برای سالمندان آسیب‌دیده فراهم می‌شود که دراین‌میان آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی نقشی کلیدی در پیشگیری دارد». سرپرست معاونت اورژانس اجتماعی مرکز فوریت‌های اجتماعی، پیشگیری از آسیب‌ها و بازتوانی اعتیاد سازمان بهزیستی کشور، با اشاره به نقش مشکلات اقتصادی، اعتیاد و فشار مراقبتی خانواده‌ها در بروز سالمندآزاری، ادامه داد: «مشکلات اقتصادی و مالی سبب ایجاد مشکلاتی در خانواده می‌شود و با توجه به هزینه‌های بالای مراقبتی و خدماتی سالمندان این مشکل می‌تواند سبب غفلت و بی‌توجهی در مراقبت از سالمندان شود». سلطانی همچنین درباره تأثیر سایر مسائل اجتماعی بر سالمندآزاری نیز تأکید کرد: «درباره اعتیاد، با توجه به هزینه‌های تأمین مواد مخدر، عوارض ناشی از استفاده از مواد مخدر (صنعتی، روان‌گردان و...) وجود فرد معتاد در خانواده، احتمال خشونت و سوءاستفاده مالی از سالمند را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر نیز مراقبت طولانی‌مدت از سالمند بیمار یا ناتوان بدون حمایت کافی و امکانات رفاهی و مالی به‌مرور می‌تواند باعث فرسودگی و پرخاشگری مراقب شود. علاوه بر این موارد، ضعف آگاهی در حوزه سالمندی و کاهش جایگاه اجتماعی سالمندان زمینه‌ساز بی‌احترامی، بی‌توجهی و آزار است که تمام این عوامل می‌تواند نقش مؤثری در افزایش سالمندآزاری داشته باشد». او با بیان اینکه مداخلات اورژانس اجتماعی در حوزه سالمندآزاری در مقایسه با سال گذشته افزایش یافته و این امر لزوما به معنای افزایش موارد سالمندآزاری در جامعه نیست، تأکید کرد: «این رشد آماری می‌تواند بازتابی از بهبود دسترسی به خدمات، افزایش آگاهی عمومی درباره نقش اورژانس اجتماعی و اعتماد بیشتر مردم به این نهاد باشد».

جدول ۵۲۰۹ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- آخرین حرف الفبای یونانی- شیره درخت- پریشانی فکر ۲- رهبر مشروطه‌خواهان گیلان که در برابر اشغال ایران توسط روس و انگلیس ایستادگی کرد- یازده ۳- ثابت‌کردن- زندانی جنگی- سمت راست ۴- گله چهارپایان- نوعی خاک- پایتخت سابق قزاقستان ۵- چشم دلفریب- ورقه آهنی مشبک برای ساخت سقف کاذب ۶- دیاگرام- اسب سیاه- حق مخالفت ۷- شریف‌تر- دوزخ- مأمور تشریفات صفوی ۸- یک دور بازی تنیس- لازم- گوشت به سیخ کشیده‌شده- ماه بعد ۹- قومی از نژاد آریایی- سکرتر- شمشیر برّنده ۱۰- پاکیزه- گل شهیدان- مشورت‌کردن ۱۱- مقاومت متغیر سه‌سر- سبزه‌زار ۱۲- سنگی آذرین- نوعی بازی برای سنجش مهارت هدف‌گیری- دوستی ۱۳- چشم خواب‌آلود شاعرانه- دارای شدت کم- سخن‌چینی ۱۴- تپه کوچک- کنایه از بی‌اعتنایی نشان‌دادن است ۱۵- گیاهی علفی و خودرو با مصرف دارویی- تیمارگر اسب- فانی و ناپایدار

عمودی:

۱- شاخه‌ای از ریاضیات- مخالف- کابوس ۲- نامی پسرانه- آبونه- دیکته ۳- شست‌وشو با عجله و سرسری- مجموعه‌داستانی نوشته بزرگ علوی ۴- مقابل- از ابزارهای خروجی کامپیوتر- چه غریبانه رفتند از این خانه ۵- اثری به قلم شاتو بریان فرانسوی- نهمین ماه سریانی- پیشوند سلب ۶- صدمه- بیرونی- محل مناسب برای شناکردن ۷- رشته باریک و دراز- نمایشنامه معروف شکسپیر- پلاستیک اسفنجی سبک ۸- دومین میدان نفتی بزرگ ایران- تثبیت‌شده ۹- نازل‌شده در مکه- قاتل- آفت‌ها ۱۰- آشیانه جغد- مریض- طلا ۱۱- کتابی درباره رشادت‌های مردم خرمشهر نوشته سیده اعظم حسینی- علم طلسمات- برنج پوست‌نکنده ۱۲- بعد از جنگ از دشمن باقی می‌ماند- پاک و منزه- بطن ۱۳- آنچه غیر از خدا باشد- عزاداری ۱۴- حد نهایی- احساسات خود را ابراز نمی‌کند- رهبر حزب ۱۵- از یاران امام حسین(ع)- طعام عروسی- کوه آتشفشانی ایتالیا

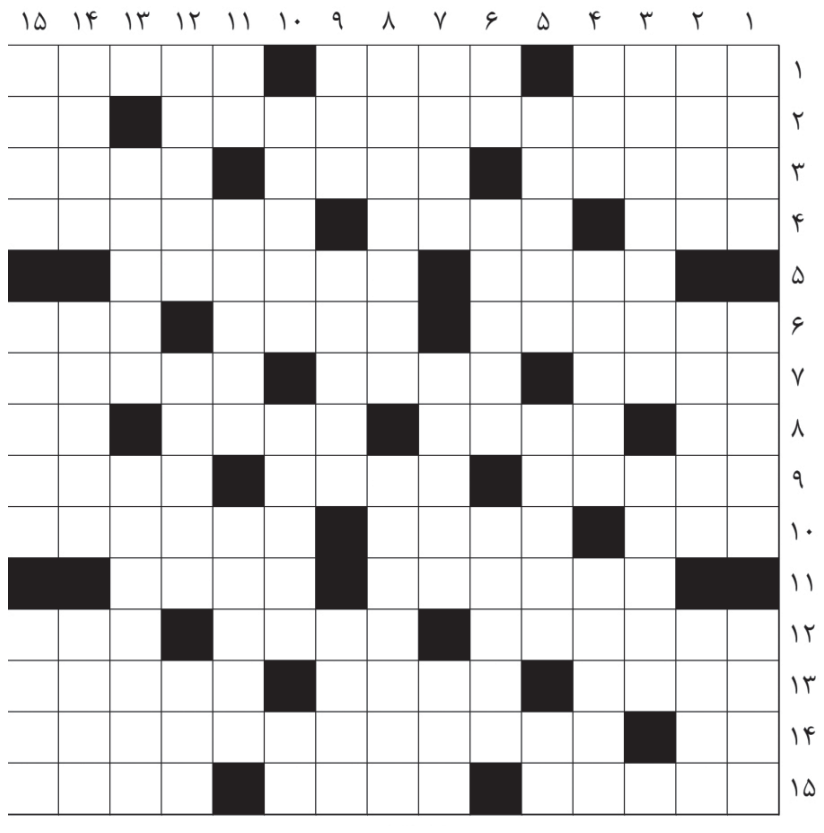

حل سودوکو ۴۲۰۴

۹	۷	۱	۳	۲	۶	۸	۴	۵
۲	۵	۶	۹	۸	۴	۳	۱	۷
۴	۸	۳	۵	۱	۷	۶	۹	۲
۶	۴	۸	۱	۳	۲	۷	۵	۹
۱	۲	۵	۸	۷	۹	۴	۶	۳
۷	۳	۹	۶	۴	۵	۱	۲	۸
۸	۶	۷	۲	۵	۱	۹	۳	۴
۳	۱	۲	۴	۹	۸	۵	۷	۶
۵	۹	۴	۷	۶	۳	۲	۸	۱

۱	۶	۸	۵	۲	۹	۷	۴	۳
۳	۵	۹	۱	۴	۷	۸	۶	۲
۲	۴	۷	۳	۸	۶	۵	۱	۹
۷	۸	۵	۲	۳	۱	۴	۹	۶
۴	۲	۶	۹	۷	۵	۱	۳	۸
۹	۳	۱	۴	۶	۸	۲	۷	۵
۵	۱	۲	۶	۹	۴	۳	۸	۷
۸	۹	۳	۷	۱	۲	۶	۵	۴
۶	۷	۴	۸	۵	۳	۹	۲	۱

حل جدول ۵۲۰۸

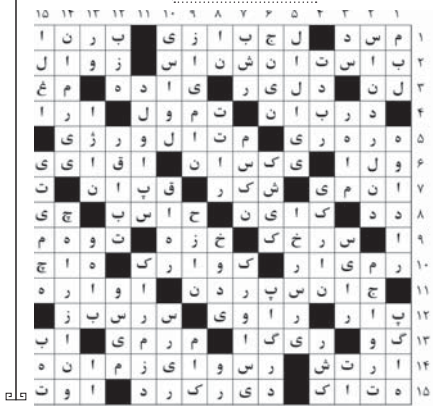

سودوکو سخت ۴۲۰۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۴	۲	۶			۹			
				۶	۴			
	۳	۱		۸				۵
۱				۴	۵	۲		
	۹						۵	
		۲	۹	۱				۶
۶				۷		۹	۳	
			۸	۹				
			۴			۱	۶	۸

سودوکو ساده ۴۲۰۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

				۲	۳			
۲		۸						
	۴		۵				۸	۷
۳		۶	۷				۱	
		۹				۵		
	۷				۱	۴		۳
۵	۳				۹		۴	
						۶		۸
			۳	۱				